

فرقه‌های نوظهور و پیامدهای منفی آنها بر

امنیت جامعه

فرقه‌های نوظهور

بشر بعد از رویگردانی و فاصله‌ای که خصوصاً در نیمه‌ی اول قرن بیستم از دین و معنویت و اخلاق و به‌طور کلی از امور ماورایی داشت، دوباره به سمت معنویت و دین و عرفان بازگشت. مهم‌ترین علت این بازگشت، به بن‌بست رسیدن در ورطه‌ی مادی‌گرایی بود؛ چرا که اقتضای آفرینش انسان به‌گونه‌ای است که

به معنویت و حق و حقیقت تمایل دارد؛ لذا از آن‌جا که دستیابی به حقیقت را در مادی‌گرایی امری غیر ممکن دید، با اشتیاق فراوان به مسائل معنوی و عرفانی روی آورد تا بتواند نیازهای روحی خود را از این طریق تأمین نماید. همین روی آوردن به حقیقت موجب شد تا افرادی که بیشتر به باطل گرایش داشتند، به فکر شبیه‌سازی و جایگزینی برای گرایش‌های انسانی بیفتند و افراد به‌ویژه جوانان را به سوی معنای باطل، کاذب و به تعبیری جدید، نوپدید و نوظهور گرایش دهند. از این میان می‌توان به جریان فرقه‌ها یا عرفان‌های نوظهور اشاره کرد.

امروزه با افزایش ارتباطات و تبلیغات رسانه‌ای، این فرقه‌ها و مکاتب غیر الهی سعی می‌کنند تا از این ابزارها برای جذب افراد نهایت استفاده را برده و به اهداف خود دست یابند.

این که نیروی انتظامی در چند سال اخیر همواره برای مقابله با این جریان تلاش نموده است، بیش از هر چیز به پیامدهای منفی آن بر امنیت و احساس امنیت باز می‌گردد. همان‌طور که باورهای دینی و گرایش افراد به معنویت حقیقی موجب کاهش جرایم در جامعه می‌شود، گرایش به معنویت‌های نوظهور که ریشه در باطل دارد، افزایش جرم و جنایت، قانون‌شکنی و ناهنجاری‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

فرقه‌های نوظهور چگونه پدید آمده‌اند و چه ویژگی‌هایی دارند؟

این فرقه‌ها گاه برآمده و وابسته به ادیان بزرگ و کلاسیک یا سنتی‌اند و گاه یک‌سره مستقل بوده و جدید می‌نمایانند؛ گاه چون ادیان کلاسیک سازمان یافته‌اند و گاه چنین نیستند. علل ظهور و پیدایی و کثرت آنها به‌ویژه در جوامع مدرن، بسیاری از جامعه‌شناسان و دین‌پژوهان را به خود مشغول کرده است. بدون شک آشنایی و نقد و بررسی فقط چند مورد از این فرقه‌ها نیاز به اختصاص حجم زیادی از مطالب دارد که در این نوشتار نمی‌گنجد؛ اما می‌توان دست کم برخی از وجوه مشترک آن‌ها را بیان نمود.

وجوه مشترک تمام فرقه‌ها:

۱. اغلب این فرقه‌ها «آمانیستی» یا «انسان‌محور» هستند، وقتی در مورد آن‌ها تحقیق کنید، می‌بینید همه‌ی چیزهایی که می‌گویند مربوط به انسان است، نه انسان برای رسیدن به خدا، بلکه «انسان بماهو انسان». آرامش، خلسه، تنهایی، مدیتیشن، تمرکز، خودآگاهی و حتی خودخدایی و... مسائلی است که هر کدام از این عرفان‌ها ترویج می‌کنند. یعنی همه‌اش برای خود (نفس).

۲. این فرقه‌ها عمدتاً «تناسخ‌گرا» و «ضد معاد» هستند. تناسخ یکی از اعتقادات مشترک میان آن‌ها می‌باشد. بحث این است که آیا نفس حیوانی و انسانی تنها به یک بدن تعلق می‌گیرد و پس از مرگ می‌تواند به حیات دنیوی خود در بدن یا جسم دیگری ادامه دهد؟ طرفداران تناسخ به دیدگاه دوم باور دارند؛ یعنی وقتی نفس با مرگ از بدن خود جدا شد، به صورت پی در پی می‌تواند در بدن‌های دیگر انسانی یا حیوانی یا نباتی و یا جمادی تعلق یابد. این عقیده با براهین عقلی و آیات قرآنی منافات دارد. برخی از آن‌ها هم معتقدند که در یک دوره‌ی زمانی، روح و جسم با هم از بین می‌روند و تمام می‌شوند؛ یعنی به معاد قائل نیستند.

۳. سومین ویژگی مشترک میان فرقه‌های نوظهور «شریعت‌ستیز» و «شریعت‌گریز» بودن است. عمده‌ی فرقه‌ها با شریعت و به‌ویژه با اسلام مبارزه می‌کنند. این فرقه‌ها عمدتاً «شخص‌محور» و «رهبرمحور» هستند. بر خلاف اسلام که «کتاب‌محور»، «وحی‌محور» و «قانون‌محور» است. این‌ها نه فقط از شریعت اسلام، بلکه از شریعت یهود و مسیحیت هم فرار می‌کنند. بهائیت، شیطان‌پرستی، وهابیت، مسیحیت جدید با رویکرد صهیونیستی و حتی گرایش‌های عرفانی نظیر بودیسم، یوگا با گرایش‌های خاص، اوشو، مدیتیشن و... فرقه‌های معنوی نوظهوری هستند که رویکردی سلبی نسبت به دین دارند.

۴. فرقه‌های نوظهور «عقل‌ستیز» هستند و «شست‌وشوی مغزی» یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای آن‌هاست. چون رهبر فرقه می‌خواهد مدیریت کند و همه باید بدون تعقل از او اطاعت کنند.

۵. این‌ها عموماً سعی دارند انسان را از طریق «انزواطلبی» از فضای اجتماعی و فضای فعالیت‌های اجتماعی دور کنند. یوگا، مدیتیشن، تمرکز، جلسات خاص خودی و آرام کردن خود، مواردی هستند که آن‌ها با این هدف به تبلیغ آن‌ها می‌پردازند. البته برای فریب مردم، شگرد هم دارند. یعنی از حربه‌های مختلف استفاده می‌کنند. آن‌ها می‌گویند مگر نماز فرد را آرام نمی‌کند؟ یوگا هم به فرد آرامش می‌دهد!

۶. «کرامت‌محور» هستند. یعنی تلاش می‌کنند یک‌سری کارهای خارق‌العاده را تبلیغ کنند. مثل طی‌الارض، طی‌الماء، زندگی‌های آسمانی، بشقاب پرنده‌ها و... برخی از این فرقه‌ها از این کارهای خارق‌العاده تحت عنوان عرفان یاد می‌کنند.

به‌عنوان نمونه در فرقه‌ی «معبد» ۹۱۳ نفر خودکشی کردند تا بشقاب پرنده‌های آسمانی بیابند روحشان را با خود ببرند. آن‌ها به قدری شست و شوی مغزی شده بودند که خودشان را با زن و بچه به طرز وحشتناکی کشتند برای این که به بشقاب پرنده‌های فضایی ملحق شوند!

۷. تلاش برای فروپاشی نظام خانواده، موضوعی است که بسیاری از این فرقه‌ها به دنبال آن هستند و به صورت مستقیم

یا غیر مستقیم روابط جنسی خارج از نظام خانواده را تبلیغ می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به عرفان دروغین «اوشو» اشاره کرد که با ازدواج به شدت مخالف است؛ چون آن را مانع از به ثمر رسیدن عشق می‌داند. اوشو در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «من سراپا طرفدار عشقم، چون عشق شکست می‌خورد. من از ازدواج دل خوشی ندارم». در شهر عرفانی «اشو» هیچ جایی برای ازدواج وجود ندارد. تمام این موارد در حالی است که اوشو از دو معشوقه‌ی خود سخنان زیادی نقل کرده است. لازمه‌ی این سخن آن است که داشتن روابط جنسی در غیر ازدواج هیچ اثر منفی در پی ندارد!

ادعاهای مشترک فرقه‌ها:

همگی فرقه‌ها و معنویت‌های نوظهور به صراحت یا به صورت ضمنی مدعی‌اند که ما آمده‌ایم سه مؤلفه را برای بشر تأمین کنیم و سه نیاز عمده‌ی او را پاسخ دهیم:

۱. شادی و نشاط را برای او به ارمغان می‌آوریم. کسی که به تکنیک‌ها و تئوری‌های ما عمل کند، زندگی شادی خواهد داشت.

۲. آرامش و طمأنینه به ارمغان می‌آوریم و او را از اضطراب و دلهره دور می‌کنیم.

۳. به او امید به زندگی می‌دهیم. به طور کلی ماهیت ادعایی این فرقه‌ها در حقیقت ماهیتی روان‌شناختی است. این فرقه‌ها تصریح می‌کنند که برای شاد بودن و امیدوار بودن به زندگی نیازی به اعتقاد به خدا و معاد و دین‌های رسمی نیست. شما می‌توانید اعتقادی هم به وجود خدا و معاد نداشته باشید؛ ولی زندگی معنوی و آرام و با نشاطی داشته باشید!

راز پیدایی فرقه‌های نوظهور:

پدیده‌ی فرقه‌های نوظهور مانند سایر پدیده‌های اجتماعی بسیار پیچیده بوده و چند عاملی است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین علل و عوامل شکل‌گیری و پیدایش این فرقه‌ها، علل و عوامل روحی و روانی است. برخی از علل روحی و روانی باعث شکل‌گیری و روی آوردن بشر به سوی این معنویت‌ها و فرقه‌ها می‌شود؛ بالاخره انسان مخصوصاً در دنیای مدرن و جدید خلل‌ها و کمبودهایی در وجود خودش می‌دید که با امکاناتی که در اختیار داشت پاسخی برای آن کمبودها نمی‌یافت.

در مسائل زندگی روزمره و در حوزه‌ی خانواده و حتی مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خلأهایی داشت که علم جدید پاسخی قانع‌کننده برای آن‌ها در اختیار او قرار نمی‌داد. در چنین فضایی طبیعی است که زمینه برای بروز و طرح ایده‌ها و شکل‌گیری جریان‌هایی فراهم می‌شود که مدعی پاسخ‌گویی به مسائل روحی و روانی و نیازهای درونی افراد هستند.

اگر چه با توجه به موارد فوق می‌توان منشأ ظهور و بروز معنویت‌های نوپدید را طبیعی قلمداد نمود؛ اما بدون شک ترویج و اشاعه‌ی آن‌ها طبیعی نبوده، بلکه بسیار هدفمند و مدیریت شده می‌باشد. این فرقه‌ها هر چند مدعی پاسخ‌گویی

به نیازهای طبیعی و رفع مشکلاتی هستند که برای بشر ایجاد شده است، اما با هدف تخریب معنویت حقیقی ترویج می‌شوند و حتی می‌توان گفت پیدایی برخی از این‌ها نیز کاملاً حساب شده و هدفمند است. یعنی با این هدف تولید شده‌اند که به زعم خود جلوی رشد تصاعدی معنویت حقیقی و اسلامی را بگیرند. این را بسیاری از مراکز غربی اذعان نموده و در اتاق‌های فکرشان بیان کرده‌اند.

آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مبارزه با معنویت، با استفاده از ابزاری از جنس خودش ممکن خواهد بود. یعنی تولید جریان‌ها و فرقه‌هایی به نام دین اما بر علیه دین! به همین دلیل است که اغلب قریب به اتفاق معنویت‌های نوظهور در چارچوب تفکر لیبرالیستی و اومانیستی می‌باشند. همه‌ی اصول و مبانی لیبرالیسم را معتقدند. البته نه به نام لیبرالیسم، بلکه به نام معنویت و دین. واقعیت این است که پیدایی و پایایی برخی از معنویت‌های جدید در دنیا و مخصوصاً در کشور ما کاملاً مدیریت شده است.

مراکز سیاسی و اطلاعاتی غرب رسماً برای ترویج این فرقه‌ها بودجه تعیین می‌کنند و رسانه‌هایشان به صراحت از ترویج برخی از این فرقه‌ها در جمهوری اسلامی سخن می‌گویند. بسیار روشن است بشری که رو به سوی دین آورده است و در جستجوی اموری است که خلأهای وجودی و معنوی او را پاسخ دهد، یافتن دین حقیقی از میان سه یا پنج دین برای او کار چندان دشواری نیست؛ اما اگر بخواهد بین سه یا پنج هزار دین، دین حقیقی را انتخاب کند، آن‌گاه نمی‌توان انتظار داشت که به سهولت بتواند راه را از چاه تشخیص دهد.

دسته‌بندی معنویت‌های نوظهور:

معنویت‌های نوظهور را به اعتبار پذیرش یا عدم پذیرش باورهای دینی می‌توان به ۶ دسته تقسیم نمود:

۱. گروه‌های الحادی مثل گروه‌های شیطان‌پرستی

۲. گروه‌هایی که به ظاهر منافاتی با آیین‌های مذهبی ندارند ولی اگر در مبانی آن‌ها عمیق شویم، می‌بینیم که مبانی آن‌ها در تعارض با آیین‌های مذهبی است؛ گروه‌هایی مانند یوگا را می‌توان در این دسته قرار داد.

۳. گروه‌هایی که منشاء شرقی دارند و به بعضی مناسک مذهبی هم روی می‌آورند؛ مانند «سیک» که به شدت متأثر از اسلام و هندوئیسم است. این گروه ظواهر دینی را می‌پذیرند اما منشاء دینی برای آن قائل نیستند.

۴. گروه‌هایی که منشاء غیر اسلامی دارند و شامل عرفان‌های مسیحی غیر پروتستان می‌باشند. این گروه‌ها متأثر از علوم فرا روان‌شناختی هستند.

۵. گروه‌هایی که از مذاهب اسلامی متأثرند، ولی تفکری التقاطی دارند؛ مانند فرقه‌های متصوفه از جمله ذهبیه، گنابادیه و ... که ادعا می‌کنند مسلمان هستند ولی خانقاه دارند و در آنجا اعمال و مناسک خود را انجام می‌دهند.

۶. گروه‌هایی که از مذاهب اسلامی منشعب شده‌اند، ولی بر آیین این مذاهب باقی نماندند؛ مانند بهائیت.

همچنین این گروه‌ها بر اساس حضور اجتماعی به دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. گروه‌هایی که به دنبال ترویج و تبلیغ آموزه‌های خود و جذب مخاطب می‌باشند.

۲. گروه‌هایی که حیات خود را در سکوت می‌دانند و برای تبلیغ آیین خود اقدام نمی‌کنند.

جوامع هدف فرقه‌ها و روش‌های آنان برای جذب افراد:

جامعه‌ی هدف این گروه‌ها، همه‌ی مردم هستند. از کوچک تا بزرگ؛ از بچه‌ی مهدکودکی گرفته تا پیر مرد و پیرزن کهن‌سالی که در خانه هستند؛ با این وجود برخی از گروه‌ها مثل جوانان، دانشجویان و مخصوصاً طیف بانوان و دختران، در خط مقدم جامعه‌ی هدف اینها هستند و بانوان بیشتر قربانی این فرقه‌ها می‌باشند. شعر توحیدی مورد استفاده در کتاب‌های قصه‌ی سنتی ایران که با «یکی بود یکی نبود/ غیر از خدا هیچ کس نبود»؛ شروع می‌شد، توسط این گروه‌ها به: «یکی بود یکی نبود/ یک پدر آسمانی بود»، تبدیل شد!

آنها برای تبلیغ و القاء تفکرات خود، از تمامی روش‌های هنری و روان‌شناختی استفاده می‌کنند و با استفاده از ابزارهای مختلف همچون بازی‌ها، داستان‌ها، نشانه‌ها، سخنان جذاب و... افراد و به‌خصوص جوانان را به سمت خود جذب می‌کنند. هنر یکی از بهترین ابزارهای جذب مخاطب است؛ افکار و اعتقادات این فرقه‌ها و مکاتب گمراه بیشتر در قالب هنر، به‌ویژه فیلم و موسیقی ارائه می‌شود. اشاعه و گسترش رو به افزون موسیقی‌های مبتذل با اشعار پوچ‌گرایی (منظور موسیقی‌های زیرزمینی است که شناخت ویژگی‌های آن بحث مفصل و جداگانه‌ای را می‌طلبد)، فروش نشانه‌های شیطان پرستی در بازارها و تألیف رمان‌ها و داستان‌های جذاب متناسب با خواست‌ها و تمایلات انسان، از جمله ابزارهای مورد استفاده‌ی این گروه‌هاست.

رهبران این فرقه‌ها با آگاهی کامل از نیاز جوانان به هویت‌یابی، به خود ژست هویت‌بخشی گرفته و با مطرح نمودن ارزش‌هایی خاص و جهان‌بینی مورد نظر خود، آنان را به خود جذب می‌کنند.

از دیگر عواملی که موجب گرایش افراد جامعه به این‌گونه فرقه‌ها و مسلک‌ها می‌شود، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

سهل‌گیری در شریعت، توجه افراطی به انسان، اعتقاد به جایگاه محوری و مرکزی انسان، قائل بودن به نسبیت اخلاق و آزادی انسان در تشخیص خوب و بد، برقراری ارتباط با افراد با زبان ساده و با محبت فراوان، توجه به نیازهای روحی و روانی روزمره‌ی انسان، تبلیغ لذت‌جویی با خواسته‌های شهوانی بی‌نهایت، طبیعت‌گرایی و ...

استفاده از فضای مجازی

سیل همگانی شدن استفاده از رایانه و گرایش برق‌آسای مردم به‌خصوص نوجوانان و جوانان به استفاده از اینترنت، باعث حریص شدن سردمداران این فرقه‌ها به حضور جدی در فضای مجازی شده و در جای جای محصولات اینترنتی شاهد خودنمایی این فرقه‌ها هستیم. می‌توان روش اصلی تبلیغات و جذب جریان‌های معنویت‌گرا را با اختلاف در شیوه‌های پیاده‌سازی، روشی غیرمستقیم و در لفافه دانست که گزنده‌های شکست در جذب افراد را تا حد زیادی پایین می‌آورد؛ اما پس از طی مراحل آن‌گاه روش‌های مستقیم مورد استفاده قرار می‌گیرد تا افراد را همچنان وفادار و وابسته نگاه دارند. رهبران این فرقه‌ها هیچ‌گاه نمی‌گویند که ما فرقه هستیم، ولی در واقع فرقه‌ای با یک رهبر خود خوانده، آموزش‌های پنهانی و مناسب جدید به همراه خرافات هستند که متأسفانه تبلیغات بسیار وسیعی در فضای مجازی می‌کنند. اگر

جوانی به دنبال سبک‌ها و سایت‌های مختلف برود، به او القاء می‌شود که اگر خواهان موفقیت هستی باید به این گروه‌ها متصل شوی، آن‌گاه انگیزه‌ی اقتصادی و اعتقادی برای جذب در او ایجاد شده و این‌گونه شکل هر می‌نیز به خود می‌گیرد.

یک رهبر در فضای مجازی شکل می‌گیرد و جذب خود را آغاز و زمینه‌ی همکاری را فراهم می‌نماید و حرکت‌های خانگی شکل گرفته و دعوت خانگی شروع می‌شود؛ در هر خانه عده‌ی زیادی آموزش می‌بینند و جذب می‌شوند و از این خانه‌ها فرقه‌های مختلفی بیرون می‌آید و در این حرکت‌های خانگی به وجود آمده، برایشان کم‌تر مشکلات قضایی به وجود می‌آید و به راحتی فعالیت می‌کنند.

ویژگی‌های شخصیتی و اعتقادی قربانیان، مهم‌ترین عامل جذب آن‌ها به فرقه‌های نوپدید:

اگر چه استفاده از شیوه‌های جذاب توسط رهبران فرقه‌های نوپدید در گرایش افراد بسیار مؤثر است، اما آن چه از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و قابل تأمل می‌باشد، ویژگی‌های نهفته در قربانیان است که آن‌ها را به سمت این فرقه‌ها سوق می‌دهد.

شاید بتوان مهم‌ترین علت گرایش گروندگان به فرقه‌های نوظهور و کاذب را میل به متفاوت بودن دانست، به بیانی دیگر عده‌ای از جوانان که میل به متفاوت بودن از بقیه افراد دارند، به قصد جلب توجه دیگران، وارد این مکتب‌ها می‌شوند، حال آن که از حقیقت آن‌ها هیچ گونه اطلاعی ندارند و نمی‌دانند اساساً جهان بینی این فرقه‌ها چیست. همچنین می‌توان برخی از افرادی که به دنبال ارتباطات نامشروع و لهو و لعب هستند را هم در این گروه‌ها مشاهده نمود که به دنبال دست یابی به لذت‌های زود گذر، به این مکاتب گرایش پیدا کرده‌اند.

برخی از افراد نیز هستند که به دلیل تمایل به کسب قدرت، به فرقه‌هایی مانند شیطان پرستی گرایش می‌یابند؛ آن‌ها معتقدند که شیطان مظهر یک سری از قدرتهاست و به همین دلیل می‌تواند بخشی از قدرت خویش را به برخی از پیروانش انتقال دهد؛ به همین دلیل برخی از کسانی که حس قدرت طلبی در وجودشان پررنگ است، تصور می‌کنند با ورود به این مکاتب حس آن‌ها تا حد زیادی پاسخ داده خواهد شد.

برخی نیز به دلیل مشکلات عقیدتی و فکری که منشاء آن معرفت شناختی آن‌هاست، به این فرقه‌ها گرایش پیدا می‌کنند؛ نگاه این‌گونه افراد به خداوند، نگاه معرفت شناسانه نیست، اعتقاد به نبوت و وحی در آنها، دچار ایرادی اساسی است، برای آنها در نظام ارزشی، توجیهی برای اخلاقیات وجود ندارد و تمام این عوامل در فرقه‌های نوپدید به‌ویژه شیطان پرستی جمع می‌شود که در آنها نه معاد، نه توحید و نه هیچ ارزش دیگری معنا ندارد.

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم گرایش افراد به فرقه‌های کاذب و دروغین، جهل به عرفان حقیقی و همین طور ناآگاهی نسبت به همین فرقه‌های نوظهور است. این فرقه‌ها در اغلب موارد اعضای خود را از میان کسانی انتخاب می‌کنند که ایمان ضعیفی دارند و یا از لحاظ شخصیتی دارای ضعف هستند.

نقش فرقه‌های نوپدید دینی در ناامنی جامعه:

برخی از فرقه‌ها دارای افکار خطرناکی هستند و با تأثیراتی که بر جوانان می‌گذارند، موجب افزایش خشونت و آسیب‌های اجتماعی در سطح جامعه می‌شوند. استفاده از مواد مخدر و روان‌گردان، مشروبات الکلی و ... فرد را به جایی می‌رساند که

از دست زدن به هرگونه خشونت و اعمال منافی اخلاق در سطح جامعه و در معرض دید عموم ابایی ندارد. برخی از این افراد با پوشش‌های نامناسب و تغییرات ظاهری در چهره و موهای خود به شکلی وارد اجتماع می‌شوند که علاوه بر ظاهری زشت و زننده، تأثیرات سوئی بر سایر افراد جامعه دارد؛ از جمله بی‌بندوباری و بدحجابی را در جامعه رواج می‌دهد. شیوع بیماری‌های روحی - روانی و اعمالی همچون قتل، خودکشی، تجاوز به عنف و نظایر آن از جمله آسیب‌های اجتماعی است که افراد در این گروه‌ها از خود به جا می‌گذارند.

از دیگر معضلاتی که در این گروه‌ها مشاهده می‌شود، برگزاری مهمانی‌های مختلط و شبانه و انجام اعمال خلاف شرع در این مهمانی‌هاست که خود یکی از راه‌های جذب جوانان مستعد و تبلیغ افکار و اعتقادات این فرقه‌ها و مکاتب است.

اگر بخواهیم از آن‌چه بیان نمودیم نتیجه‌گیری کنیم، کافی است فقط به این واقعیت اشاره کنیم که قرار گرفتن در دام فریب این فرقه‌ها، انحراف از صراط مستقیم هدایت دین و معنویت راستین و غلطیدن در ورطه‌ی گمراهی است.